

پای تام باراک هم به پروندهٔ افتضاح مشهود باز شد، امنیت جدید صهیونیست‌ها با یک پروندهٔ جنسی تأمین می‌شود؟

حق‌السکوت‌اپستین



علی ملکی

خبرنگار گروه سیاست

هرچه زمان بیشتری می‌گذرد، هیولای اپستین رسوایی‌های بیشتری رو می‌کند. بعد از بن‌سلمان، ترامپ، شاهزاده اندرو، پسر ملکه انگلیس و... این بار قرعه به نام تام باراک، نماینده ترامپ در خاور میانه در آمد. کسی که رفтар خبرنگاران لبنانی را «حیوانی» نامیده و ادعا کرده بود اصلاً خاور میانه‌ای وجود ندارد. حالا مشخص شده ۱۰ سال پیش اپستین در نامه‌ای به باراک گفته بوده «عکس‌هایی از خودت و بچه فرست، باعث شو لبخند بزیم» و حالا این عمل حیوانی‌اش مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفته است. پرونده اپستین به قدری گسترده شده که پای سرویس‌های اطلاعاتی صهیونیستی هم به میان آمده و گفته می‌شود طراحی این ماجرا از ابتدا برای این بوده که اسرائیل بتواند از جهان باخ‌خواهی کند. روزنامه‌نگاران تحقیقی که سال‌ها این پرونده را دنبال کرده‌اند می‌گویند نشانه‌هایی از دیدارهای متعدد اپستین با افراد مرتبط با نهادهای امنیتی اسرائیلی یافته‌اند و حتی شواهدی وجود دارد که او بانک اطلاعاتی خصوصی از چهره‌های با نفوذ را نگهداری می‌کرده است. جفری اپستین سال‌هاست مرده؛ اما پرونده‌اش زنده و باز است و همچنان قربانی می‌گیرد.

از بن‌سلمان تا کلیتون و کاسترو و ترامپ

اپستین مالک جزیره‌ای خصوصی در دریای کارائیب به نام «جزیرهٔ کوچک سنت جیمز» بود؛ مکانی که طبق اسناد لوقته و شهادت‌ها، محل سوء استفاده جنسی سازمان‌یافته از دختران کم‌سن و سال و پذیرایی از چهره‌های با نفوذ سیاسی، دانشگاهی و اقتصادی بود. نااهلی از جمله محمد بن‌سلمان، ولیعهد عربستان سعودی، لیهود باراک، نخست‌وزیر پیشین اسرائیل، بیل کلینتون، رئیس‌جمهور پیشین آمریکا، فیلد کسترو، رهبر سابق کوبا، پاپ ژان پل دوم، رهبر پیشین واتیکان و دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا و در تازه‌ترین مورد، تام باراک، نماینده ترامپ در خاور میانه در فهرست افرادی دیده می‌شوند که با هواییهای شخصی اپستین مشهور به «لولیتا اکسپرس» به این جزیره رفت‌وآمد داشته‌اند. در اغلب پروازها، نوجوانانی حضور داشتند که میرخی قربانی‌وریخی تحت‌فشار یا فریب، بخشی از شبکه اپستین محسوب می‌شدند. نخستین بار، یک شکایت در سال ۲۰۰۵ علیه اپستین ثبت شد که دختر ۱۴ ساله‌ای را مورد آزار و اذیت قرار داده است. پلیس تحقیقاتش را در باره این پرونده آغاز کرد و طولی نکشید که مقامات فدرال ۳۶ دختر شناسایی کردند که برخی از آن‌ها ۱۴ سال داشتند و گفته می‌شد اپستین از آن‌ها سوء استفاده جنسی کرده است. در نهایت اپستین در سال ۲۰۰۸ از سوی دادگاه ایالتی فلوریدا به جرم فراهم کردن کودکان برای فحشا مجرم شناخته شد. او پس از تحمل ۱۳ ماه حبس، از زندان خارج شد و در سال ۲۰۱۹ مجدداً به دلیل قاچاق جنسی افرادی که به سن قانونی نرسیده بودند دستگیر شد. چند ماه بعد به طرز مشکوکی در سال ۲۰۱۹ در سلول به دار آویخته شد و بعدها گفتند خودکشی کرده است.

تام باراک هم اضافه شد

تاوثرین اسناد منتشرشده دربارهٔ اپستین حاکی است او روابط صمیمانه‌ای با تام باراک، نماینده آمریکا در منطقه داشته است. یکی از ایمیل‌های مربوط به سال ۲۰۱۶ افشا می‌کند که باراک به اپستین نوشته است: «عکس‌هایی از خودت و بچه فرست، باعث شو لبخند بزیم.» این پیام پس از آن ارسال شد که اپستین گفته بود تماس‌های زیادی دریاودوستی‌اش با ترامپ دریافت می‌کند؛ اما پاسخی نمی‌دهد و باراک پیشنهاد می‌کند: «اگر به دیداری با هم داشته باشند. اسناد جدید مجدداً سؤالاتی در باره روابط نزدیک و پیچیده میان اپستین و برخی چهره‌های با نفوذ ایجاد کرده، همچنین افشایگری‌های جدید، پرسش‌های تازه‌ای در باره نقش باراک در این شبکه به وجود آورده است. اگرچه نباید از ردپای سرویس‌های جاسوسی در این پرونده غافل شد.

تله تل آویوو باخ‌خواهی

یکی از پرزنگ‌ترین و بحث‌برانگیزترین فرضیه‌ها درباره جفری اپستین، نقش او در شبکه‌های اطلاعاتی بین‌المللی است؛ شبکه‌هایی که گفته می‌شود از سیا و MI6 گرفته تا موساد در دخیل بوده‌اند. بر اساس این دیدگاه، اپستین قطب یک مجرم جنسی با نفوذ نبود، بلکه فردی بود که اطلاعات حساس از زندگی خصوصی سیاست‌مداران، میلیاردرها و چهره‌های جهانی جمع‌آوری می‌کرد؛ اطلاعاتی که نمی‌توانست در بزنگاه‌های سیاسی به ابزار باج‌گیری یا نفوذ امنیتی تبدیل شود.

ارتباطات نزدیک او با برخی مقامات صهیونیستی، دعوت‌شدنش به محافل قدرت در آمریکا و اروپا، بر خورد‌های عجیب و ملایم دستگاه قضایی با او و بارها نجات یافتن از مجازات‌های سنگین، همگی این گمانه را تقویت کرده که اپستین فراتر از یک متهم معمولی بوده است. روزنامه‌نگاران تحقیقی که سال‌ها این پرونده را دنبال کرده‌اند می‌گویند نشانه‌هایی از دیدارهای متعدد اپستین با افراد مرتبط با نهادهای امنیتی یافته‌اند و حتی شواهدی وجود دارد که او بانک اطلاعاتی خصوصی از چهره‌های با نفوذ نگهداری می‌کرد. در ایسن نظریه همچنین بر این نکته تأکید می‌شود که خانه‌ها و جزیره خصوصی اپستین مملو از دوربین‌های مخفی بوده و احتمالاً ضبط موقعیت‌های غیر اخلاقی از مهمانانش بخشی از یک طرح گسترده برای اخاذی، مدیریت بحران‌های سیاسی یا عملیات نفوذ بوده است. پیوند این فرضیه با شخص گیلین مکسول نیز قابل توجه است؛ زنی که نه تنها شریک نزدیک اپستین بود، بلکه دختر واریت مکسول است؛ میلیاردر رسانه‌ای بریتانیایی که بعدها افشا شد با موساد همکاری می‌کرد. این ارتباط خانوادگی سایه‌ای جدی‌تر بر نظریه امنیتی بودن پرونده اپستین می‌اندازد و گمانه‌زنی‌ها درباره پشت پرده‌های پیچیده و غیرعلنی این ماجرا را تقویت می‌کند؛ پشت پرده‌ای که شاید بسیار فراتر از یک شبکه فساد جنسی باشد.

بلایی که اپستین سر ترامپ آورد

برخی معتقدند ترامپ می‌تواند از پس این بحران بر بیاید و این موارد نمی‌تواند حلقه هودارانش را از او دور کند. اما نشریه واشنگتن پست تأکید دارد این باور چندان درست هم نیست و از زمان افشای اولین جزئیات از این پرونده، زمر مه‌ایی میان پایگاه اجتماعی

پای تام باراک هم به پروندهٔ افتضاح مشهود باز شد، امنیت جدید صهیونیست‌ها با یک پروندهٔ جنسی تأمین می‌شود؟



نزدیک به ترامپ موسوم به ماگا (MAGA) ردوبدل می‌شود. بر اساس این گزارش، روشن شدن جزئیات پرونده‌های این تاجر و مجرم جنسی، شکاف عمیقی در میان پایگاه حامیان ترامپ ایجاد کرده‌است، حتی برخی طرفداران جنبش ماگا حاضر شده‌اند در این موضوع با دموکرات‌ها هم‌صدا شوند. این پایگاه حامی ترامپ معمولاً در برابر رفتارهای عجیب او چندان حساس نیست؛ اما پرونده‌های اپستین موضوعی متفاوت است. جزئیات این پرونده‌ها در وزارت دادگستری و انتشار آن‌ها، یکی از مداوم‌ترین مسائل بحث‌برانگیز در میان حامیان ترامپ بوده‌است. به گفته نماینده دموکرات کالیفرنیا، بسیاری از هواداران ترامپ احساس می‌کنند دولت فاسد شده و به منافع مردم عادی اهمیت نمی‌دهد. یکی از دلایل حمایت آن‌ها از ترامپ این بود که او وعده می‌داد دست همه فاسدان را رو می‌کند. انتشار پرونده‌های اپستین هم جز وعده‌های اصلی ترامپ بوده و نه موضوعی حاشیه‌ای. با این حال ترامپ تلاش می‌کند موانعی برای انتشار آن‌ها ایجاد کند. ترامپ خود این پرونده‌ها را «حقه» خوانده و به حامیانش می‌گوید نباید روی آن‌ها تمرکز کنند. با این حال، انتشار ایمیل‌ها و اسناد مرتبط با املاک اپستین نشان می‌دهد ترامپ از برخی فعالیت‌های مرتبط با قربانیان اپستین مطلع بوده است.

اپستین: حتی یک سلول درست و حسابی در ترامپ نیست

بیش از ۲۰ هزار مسند، شامل ایمیل‌های اپستین توسط نمایندگان دموکرات و جمهوری خواه منتشر شده که نشان می‌دهد ترامپ ساعتی را در خانه اپستین با یکی از قربانیان به نام ویرجینیا گیوفه گذرانده است. ترامپ هم زیر بار نرفته و این ادعاها را «دروغ» و «حواس‌پرتی دموکرات‌ها» خوانده است، یکی از ایمیل‌های اپستین به لری سامرز، وزیر سابق خزانه‌داری گویای تعریف مستقیمی در باره شخصیت ترامپ است: «من در زندگی‌ام با آدم‌های بسیاری دیدی آشنا شده‌ام. هیچ‌کدام به‌بدی ترامپ نبودند. حتی یک سلول درست و حسابی در بدنش نبود.» مایکل رلف، روزنامه‌نگار آمریکایی در این زمینه گفته اپستین قصد داشت ترامپ را «اگر ببینداز»؛ یعنی بگذارد ترامپ علناً دروغ بگوید و سپس آن دروغ افشا شود. با این حال، اپستین از واکنش ترامپ ترس داشت. او امیدوار بود روزی بتواند علناً درباره این موضوع صحبت کند؛ اما دستگیری و سپس مرگ مشکوک او در زندان، همه این برنامه‌ها را نقش بر آب کرد.

سرنوشت مبهم مذاکرات میان پاکستان و طالبان



میراحمد رضا مشرف

پژوهشگر مسائل بین‌الملل

سومین دور مذاکرات میان نمایندگان پاکستان و طالبان در شرایطی در استانبول بسه کار خود خاتمه داد که برخلاف دور دوم، این بار نه تنها از تمدید زمان مذاکرات میان دو طرف خبری نبود، بلکه حتی هیچ چشم‌انداز روشنی در مورد تداوم گفت‌وگوها ارائه نشد؛ اما در توجیه ناکامی مذاکرات، ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی طالبان بن‌یست در مذاکرات رابه‌ویه غیر مسئولانه و عدم همکاری هیت پاکستانی، آن هم به‌رغم نیت نیک طالبان و تلاش میانجی‌ها، مرتبط دانست. وی تأکید کرد طرف پاکستانی در جریان مذاکرات می‌کوشید همه مسئولیت‌های مربوط به امنیت خودش را به گردن طالبان بیندازد و درعین حال هیچ‌گونه آمادگی از خود برای پذیرش هر گونه مسسئولیت چه در قبال امنیت افغانستان و چه نسبت به امنیت خود پاکستان، نشان ندهد. در طرف مقابل، خواجه آصف، وزیر دفاع پاکستان ضمن اعلام بن‌یست در مذاکرات و عدم برنامه‌ریزی برای پیشبرد گفت‌وگوها در آینده، تقصیر را متوجه طالبان دانسته و بازگشت پاکستان از گفت‌وگوها بدست خالی رانشان دهنده امیدی میانجی‌ها از افغانستان ارزایی کرد. علاوه بر این او مدعی شد میانجی‌ها یعنی ترکیه و قطر از مواضع پاکستان حمایت می‌کنند.

چرا نسبت به نتایج دور سوم مذاکرات خوش بینی وجود نداشت؟

اما به‌رغم ادعاهای دو طرف در متهم کردن یکدیگر در به بن‌یست کشاندن دور سوم مذاکرات، ناکامی این دور از گفت‌وگوها برای بسیاری از ناظران چندان دوزاخن نبود. براین اساس دلایل زیادی برای عدم خوش‌بینی نسبت به نتایج دور سوم مذاکرات وجود داشت؛

۱) **فضای مثبت ناساعد پیش از برگزاری دور سوم مذاکرات**: دور سوم مذاکرات در شرایطی ازسرنگفته شد که هر دو طرف طی هفته منتهی به مذاکرات، بشدت یکدیگر را مورد حجهه قرار داده بودند. وزیر دفاع پاکستان حکومت طالبان را رژیمی نامشروع، سرکوبگر و دچار اختلاف عمیق در داخل توصیف کرد. احمد شریف چودری، سخنگوی ارتش پاکستان تحریک طالبان پاکستان را شاخه‌ای از طالبان دانست و بر بیعت این گروه با رهبر طالبان افغانستان تأکید کرد. علاوه بر این چودری تهدید کرد که اگر این دور از مذاکرات به شکست بینجامد، ارتش پاکستان خودش برای حل مشکل مستبه‌کار خواهد شد. اما در سمت طالبان، مجاهد به نقش آمریکا در افزایش تنش میان اسلام‌آباد و کابل اشاره کرده و هدف از ایجاد بحران را میسنجایی برای بازگشت ایالات متحده به‌گرم از زیبایی می‌کند. در تحولی چشمگیرتر و در جریان یک مراسم رسمی و با حضور یکی از مقامات برجسته طالبان، از نقشه افغانستان بزرگ (لوی افغانستان) رونمایی می‌شود که در آن بدون در نظر گرفتن خط مرزی دیورند، بخش‌هایی از پاکستان از جمله ایالت خیبر پختونخوا، به افغانستان ملحق شده بود. در چنین فضای آکنده از تشی بروز دیگری نظامی در مرز افغانستان و پاکستان درست در روز آغاز مذاکرات دور سوم، می‌رفت تا پرونده مذاکرات را حتی پیش از شروع بنبده که وساطت میانجی‌گران و تا حدی خوشبین‌داری طالبان، مانع از فرو پاشی گفت‌وگوها شد.

۲) **بقای چالش‌های بنیادین و ساختاری میان دو طرف**: دور سوم مذاکرات در شرایطی برگزار شد که عملاً هیچ گونه تغییری که بتواند در فضای مذاکرات تحولی به‌وجود آورد، درخنداعبود. مشکل تحرک طالبان پاکستان و در خواست پاکستان از طالبان برای مهار فعالیت این گروه در افغانستان همچنان بدون ارائه واره هر گونه راهکار بر جای مانده بود. به‌خصوص با در نظر گرفتن آن که طالبان ماهیت و صورت‌سنسله یعنی حضور و فعالیت‌تی‌تی‌بی در افغانستان را قبول نداشتند. از سوی دیگر موضوع مهار تی‌تی‌بی با چالش خط مرزی دیورند نیز به‌شدت درهم‌میخته است. در توافق اکثریت در دوحه که پس از یک دیگری خوئین میان دو طرف به امضا رسید، طالبان حتی نسبت به به کارگیری واژه تنش‌های مرزی در متن توافق معترض شده و خواهان حذف آن شدند. در چنین شرایطی قطعاً دست‌یابی به ترتیبات مشترک امنیت در مرزها دشوار یا غیر ممکن است. اگر به این موارد مسائل دیگری چون نگرانی پاکستان از گسترش مناسبات طالبان و هند و همچنین مناقشات آبی اخیر را بیفزاییم، به این نتیجه خواهیم رسید که دست‌یابی به توافق در چنین فضای سنگینی تاچه حد دور از انتظار به‌نظر می‌رسید.
۳) **ترکیب هیت‌های مذاکره‌کننده پاکستان و طالبان**: وقتی ترکیب هیت‌های مذاکره‌کننده دو طرف در دور سوم مذاکرات معلوم شد، بسیاری پیش‌بینی می‌کردند این مذاکرات چندان به درازا نکشسد. هدایت تیم‌های مذاکره‌کننده توسط دو مقام نظامی و امنیتی، ژنرال عاصم مکن‌رئیس سازمان اطلاعات ارتش پاکستان (آی‌اس‌آی) و عبدالعزیز وثیق رئیس سازمان استخبارات (اطلاعات) طالبان علاوه بر اینکه حساسیت‌های امنیتی مذاکرات را یادآوری می‌کرد، احتمال ایجاد فضای پر تنش و متشنج و به‌دور از ظرافت‌های دیپلماتیک را افزایش داده و دست‌یابی به تاقهم را بیش از پیش دوزاخن نشان می‌داد.
۴) **محاسبات دو طرف از موقعیت یکدیگر**: هم پاکستان و هم طالبان در شرایطی با به مذاکرات گذاشتند که بار آذروهلای از موقعیت دشوار طرف مقابل، دست برتر گفت‌وگوها را متعلق به خود می‌دانستند. بر مبنای چنین محاسبه‌ای، ملاهیت‌الله، رهبر طالبان در جریان ملاقات با هیت مذاکره‌کننده پیش از آغاز گفت‌وگوها، بر این موضع تأکید کرد که پاکستان در شرایطی نیست که بتواند خواسته‌های خود را بر کابل تحمیل کند. بر همین اساس او به مذاکره‌کنندگان در مورد تسلیم در برابر خواسته‌ها و فشارهای اسلام‌آباد هشدار می‌دهد. چنین برداشتی در پاکستان هم وجود داشت؛ اینکه طالبان با چالش‌های مهم در داخل و معضل مشروعیت بین‌المللی در خارج مواجه‌است، بنابراین تمایلی به تشدید تنش و بحران از خود نشان نخواهد داد.

چشم‌انداز تحولات آینده

با در نظر گرفتن این موضوع که سه دوره مذاکرات میان پاکستان و طالبان صرفاً به توافقی برای یک‌کدام پس موقت منتهی شده و هیچ دستاورد مهم و پایدار دیگری به‌مرآنداشت‌است، در مورد آینده این مذاکرات و در واقع سرنوشت روابط پاکستان و طالبان سناریوهای مختلفی قابل طرح است؛ بازگشت و تشدید درگیری‌های نظامی میان دو طرف را می‌توان بدترین سناریوی تصور کرد. این سناریو می‌تواند برای هر دو طرف پیامدهای سنگین و پرهزینه‌ای رابه دنبال داشته باشد. طالبان می‌تواند از بتانسلیل و اهرم‌های نفوذ خود در پاکستان، به‌ویژه در مناطق قباایلی استفاده کرده در تشدید وخامت اوضاع امنیتی در پاکستان نقش‌آفرینی کند. پاکستان هم می‌تواند با اکتبار این توان نظامی برتر خود و همچنین بهره‌گیری از برخی شکاف‌های درونی طالبان، ساختار حاکمیتی کابل را با تزلزل مواجه کند. بااین حال نکته امیدوارکننده می‌تواند این باشد که تشدید تنش‌های هم در پاکستان و هم در افغانستان، حامیان بسیار کمی دارد. سناریوی بعدی تداوم مذاکرات در شرایط نه جنگ و نه صلح کنونی است. برای این سناریو نمی‌توان هیچ محدوده یا محدودیت زمانی در نظر گرفت. حتی شاید بتوان به شکلی دقیق گفت که طولانی شدن زمان مذاکره برای کدام یک از طرف‌ها سود و زیان بیشتری به دنبال خواهد داشت؛ اما حتی در صورت تداوم مذاکرات نباید انتظار داشت که مذاکرات به یک توافق کلی، پایدار و طولانی مدت منجر شود. با توجه به سطح اختلافات، در نهایت سطح توافق ممکن است در حد مدیریت بحران کوتاه‌مدت و در بهترین حالت میان مدت انجام گیرد. البته حتی همین توافق نصفه و نیمه می‌تواند در روند اجرایی با چالش‌های کدام‌یک از طرف‌ها مواجه شده یا به بن‌بستی دیگر منتهی شود.



سیدمهدی طالبی

پژوهشگر حوزه بین‌الملل

شعار دولت کنونی آمریکا «صلح از طریق قدرت» است؛ ترجمه این شعار، اما «تسلیم از طریق جنگ و تهدید» می‌شود. «دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهور آمریکاحالا لوله‌شعار خود را به سمت وژ و نلا گرفته تا این بار با این تفنگ در قاره آمریکا دست به شلیک بزند. «بیت‌هگست»، وزیر جنگ آمریکا اواخر هفته قبل در تویییتی اعلام کرد دستور اجرای عملیات موسوم به «نیزه جنوبی» را به نیروهای نظامی کشورش ابلاغ کرده که هدف آن مقابله با شبکه‌های مواد مخدر در نیم‌کره غربی است. صدور این دستور، تشدید تحرکات نظامی آمریکا در آب‌های شمالی قاره آمریکای جنوبی است که طی ماههای گذشته کلید خورده بود. حالا سایه جنگ بر سر وژ و نلا گسترده‌تر شده و احتمال وقوع آن پرزنگ‌تر است.

با این اقدام وژ و نلا نیز که خود را در خطر احساس می‌کند، بر میزان آمادایش خود افزوده است؛ دلیل این آمادیش را بالا احتمال‌زیر پا گذاشتن قوانین سنتی نبرد و مبادرت آمریکاه به ترو سران سیاسی و نظامی وژ و نلاست؛ سیاستی که بیشتر از همه «نیکلاس مادورو»، رئیس‌جمهور این کشور را تهدید می‌کند.

این تهدیدها اما باعث تزلزل در ارکان سیاسی و نظامی وژ و نلا نشده و آن‌ها به همراه متحدهان منطقه‌ای و بین‌المللی خود به آمریکا نسبت به هرگونه تحرک نظامی هم هشدار داده‌اند.

این احتمال وجود دارد که در صورت گرفتاری آمریکا در تنش‌های کارائیب، روسیه در اوکراین، چین در تنگه تایوان و محور مقاومت در منطقه دست به تشدید اوضاع بزند. از این‌رو آمریکا از اقدام عمل گسترده‌ای برای اقدامی نظامی در وژ و نلا ندارد، به‌ویژه آنکه ضربه به اساسی به این کشور بدون حملات گسترده میسر نیست و اگر چنین اتفاقی رخ دهد، از توان تحرک واشنگتن در دیگر مناطق جهان کاسته خواهد شد.

نکات

در خصوص تحولات نظامی در نیم‌کره غربی و متمرکز بر وژ و نلا نکاتی وجود دارد که در ادامه آمده‌اند.

۱

جنگ روایت‌ها در کارائیب اوج گرفته است. نبرد بر سر روایت‌ها در این حوزه به چند بخش تقسیم می‌شود؛ یک بخش مهم آن، روایت‌سازی برای مشروعیت بخشی به جنگ است و از این‌رو آمریکا عملیات نظامی خود را بعنوان نبرد علیه قاچاق مواد مخدر توصیف می‌کند.

آمریکایی‌ها پس از آنکه قوای خود را به سمت کارائیب و سواحل وژ و نلا متمایل کردند، به جای محاصره این کشور، نخست دست به اتهام تعدادی قایق به اتهام قاچاق مواد مخدر زدند. تاکنون به طور تقریبی آمریکا یکی ها ۲۰ قایق را نابود کرده‌اند که طی آن ۸۰ نفر کشته شده‌اند. واشنگتن با لافاصله به وژ و نلا حمله نکرد تا اقدامش در افکار عمومی حرکتی نظامی و سیاسی برای تسلط بر کشوری دیگر در راستای اشغالگری

آمریکا بر روایت‌سازی برای گشودن گارد و نژوئلا بیشتر از موشک‌های نقطه‌زن حساب کرده است

سلام به باتلاق کارائیب؟

تلقی نشود، بلکه با ادعای مبارزه با مواد مخدر و هدف‌گیری قایق‌ها، تلاش کرد اقدامش را مشروع جلوه دهد.

در مقابل، چنانچه چرپ‌چراپ آمریکای لاتین نیز روایتی علیه روایت آمریکایی‌ها ارائه کرد.

«گوستاوو پرتو» رئیس‌جمهور کلمبیا این حملات راقتل جراحان فقیر کارائیبی دانست که یا در حال مهاجرت بوده یا از راه فعالیت در دریا مانند ماهیگیری، کسب درآمد می‌کنند. روایت‌سازی دیگر آمریکا در این خصوص، اهداف جزئی‌تری دارد. این روایت‌سازی بر این سنسله استوار است که رئیس‌جمهور وژ و نلا از طریق نمایندگان در حال مذاکره با افسران سازمان سیاست‌تاز در این تضمین‌هایی، از قدرت کناره‌گیری کند. مادورو این ادعاها را رد کرده است، اما این روایت‌سازی اثراتی بر برخی گروه‌های خاص، مانند ساختارهای نظامی و امنیتی وژ و نلا دارد.

آمریکایی‌ها قصد دارند حمله خود را به وژ و نلا قطعی نشان داده تا ارتش و منظومه سیاسی این کشور را به فکر چاره وادار کنند؛ یکی از این راه‌حل‌ها کمک به برکناری مادورو خواهد بود تا جنگی صورت نگیرد. براین اساس، منابع آگاه می‌گویند واشنگتن فعالیت‌های گسترده‌ای برای خرید نظامیان در وژ و نلا آغاز کرده تا آن‌ها علیه دولت اقدام کرده یا حداقل از آن حمایت نکنند.

روایت‌سازی آمریکا در خصوص مذاکره مادورو با نمایندگان سیا، به‌نوعی تسهیل‌گر یا کاتالیزور اقداماتش برای خرید طبقات سیاسی و نظامی وژ و نلاست تا آن‌ها به این فکر بیفتند که باید زودتر از آنکه خود مادورو با واشنگتن معامله کند، با کاخ سفید ببینند.

۲

آمریکا برای جنگ با وژ و نلا منطقی اقتصادی برای خود ایجاد کرده است که یک سمت این منطق خطرات اقتصادی حمله به وژ و نلا و

سمت دیگر آن مزایای موقعیت در چنین حمله‌ای است.

طبق محاسبات اقتصادی، صرف حمله به وژ و نلا نمی‌تواند باعث افزایش مؤثری در قیمت نفت شود. هرچند وژ و نلا دارای بیشترین ذخایر نفت در جهان است؛ اما به دلیل تحریم‌های گسترده آمریکار بر صنعت نفت این کشور، کاراکاس با مشکلات فنی در برداشت از ذخایر مواجه بود و همین‌ها با معضلات تحریم فروش نفت و شبکه بانکی برای صادرات آن دست‌وپنجه نرم می‌دهد.

مشکلات فنی در برهه‌ای باعث شدند تولید نفت و وژ و نلا به زیر یک میلیون بشکه نفت سقوط کند. مشکلات تحریم فروش نفت و شبکه بانکی نیز باعث شده خریداران نفت این کشور مجبوره شوند تا جایی که بیشتر صادرات به چین صورت می‌گیرد.

در سال جاری صادرات نفت وژ و نلا به طور میانگین به روزانه ۸۰۰ هزار بشکه رسیده است. با توجه به ابعاد بازار جهانی که از صادرات و نه از تولید تشکیل می‌شود، صادرات کاراکاس تقریباً معادل ۱/۶ درصد از بازار است. علاوه بر سهم اندک، تعدادی از تولیدکنندگان قرار است در آستانه زمستان تولید خود را افزایش دهند که این افزایش، خروج احتمالی وژ و نلا را پوشش می‌دهد.

بخش دیگر منطق اقتصادی آمریکا این دست‌وپنجه‌دستی‌ها به ذخایر نفت و وژ و نلا از طریق سرنگونی دولت و جایگزینی با دولتی دست‌نشانده است. در این صورت با برداشتن تحریم‌ها و ورود شرکت‌های بزرگ نفتی آمریکا به همراه سرمایه و توانایی فنی‌ای که در اختیار

۴ آمریکا احساس می‌کند اگر بخواهد وارد جنگ با وژ و نلا شود این امر طولانی مدت خواهد شد؛ پس برای کوتاه‌شدن زمان هدف‌گیری راکتور

افراد تصمیم‌گیر ضروری‌اند. مشکل اما آنجاست که مزدوران آمریکا در داخل راکتور به خارج کردن حکومت از دست تیم کنونی نشوند. آن‌گاه این جنگ حتی اگر به سرعت پایان یابد، در نهایت و طی سال‌های بعد یک شکست سیاسی تلقی خواهد شد.



فرهنگ‌یگان

فرهنگ‌یگان

یکشنبه ۲۵ آبان ۱۴۰۴

شماره ۴۵۵۸

FARHIKHTEGANDAILY.COM

FARHIKHTEGANONLINE

